

کمتروستائی از روستاهای متعارفی ایران وجود دارد که در زمینه آب و آبیاری بین کشاورزان آن یک یا چند نوع «یاریگری^۱» وجود نداشته باشد، چه در میان کشاورزان صاحب نسق و خرده مالکان پیش از اصلاحات ارضی و چه در میان کشاورزان خرده مالک شده بعد از آن.

به جز «همیاری» در میان گروههای «هم آب^۲» و همیاری در «آب قرضی» (آب به آب)، «دوجوی یکی^۳» و «چند جویه کردن آب^۴» و... «دگر یاری» در مورد «آب بخشی» و برخی شکل های «آب میان^۵» و متداول تر و حیاتی تر از همه اینها «خودیاری» در زمینه مسائل مربوط به تهیه منابع جدید آب و یا نگهداری (تعمیر و لایروبی) منابع قدیمی و لایروبی نهرها و جویها و «هرانگ^۶»ها و بست بند و «گروه^۷» و «گوراب^۸» و... که اغلب به وسیله خود کشاورزان و خرده مالکین - یکی دو بار در سال - انجام میشود، در بسیاری از روستاهای ایران، کشاورزان برای استخدام «کارگزاران آب» و حفظ سازمانهای سنتی آبیاری به شکل دیگری از خودیاری نیازمندند.

در واقع این سازمانها و یا کارگزاران پس از اصلاحات ارضی به نمایندگی از گروه «خودیاری» کشاورزان صاحب حقا به (خرده مالکین) عمل کرده و پیش از اصلاحات ارضی و در روستاهای تک مالکی به نمایندگی ارباب و یا مشترکاً به نمایندگی از مالکین و دهقانان به انجام وظایف خود می پرداختند. گروه خودیار کشاورزان حداقل در دو مورد به استخدام این کارگزاران اقدام می کنند:

الف: در کارهای بسیار سبک تر از کارهایی که همه نیروی گروه را می طلبد، اما باید در زمانی طولانی و پیوسته انجام پذیرد.

ب: در کارهای پیچیده و تخصصی که از عهده همگان ساخته نیست.

ج: ترکیبی از این دو حالت.

برای رفع نیازهایی که به آنها اشاره شد، در روستاها و شهرهای ایران، در درازای زمان سازمانها و نظامهای خاصی پا گرفته است و گاه در مورد منابع آبی مهمتر، این نظامها پیچیده تر شده و کارگزاران متعدد و با کارکردهای متفاوتی در آن به کار مشغولند.

مزد این کارگزاران پیش از اصلاحات ارضی،

در برخی موارد و مناطق به عهده مالک و یا مالکین آب، و در برخی موارد و مناطق از کل محصول خرمن پیش از تقسیم آن کسر می شده است (نسبت به سهم ارباب و رعیت) پس از اصلاحات ارضی طبیعتاً مزد این کارگزاران به عهده کشاورزان که صاحب زمین شده اند، نهاده شده است.

وظیفه برخی از این کارگزاران تهیه منابع جدید آب و یا تحصیل آب بیشتر از منابع موجود و آبرسانی بهتر می باشد؛ و وظیفه برخی دیگر حسابداری و نظارت بر تقسیم درست حقا به ها می باشد.

در برخی از مناطق ایران که میزان آب به نسبت زمینهای زراعی و نوع کشت فراوان تر و تعداد مالکین آب به نسبت کمتر و در ضمن منبع آب آنها رودخانه و چشمه می باشد، با وجود نظام سنتی تقسیم آب، کمتر دارای این کارگزاران می باشند.

در روستاهای دیگر ایران که یک و یا چند شرط بالا در آن مناطق موجود نیست، هر محل دارای یک یا گروهی از این کارگزاران می باشد. در نمونه های زیر به معرفی برخی از این کارگزاران و سازمانهای سنتی خواهیم پرداخت.

بررسی کار این کارگزاران و سازمانها، چه از لحاظ فهم سازمانهای سنتی و چه از لحاظ فهم کم و کیف شیوه های یاریگری و چه از نظر برخی کارهای فنی و شیوه های عمل این کارگزاران و سازمانهای سنتی دارای اهمیت است. برای مثال کار «تیره گران^۱» - مانند شیوه آبیاری کوزه ای^{۱۰} که ریشه یکی از مدرنترین شیوه های آبیاری در جهان می باشد، یادآور نوترین شیوه ها برای جلوگیری از هدر دادن آب در زمین های «شنی بوم» می باشد.^{۱۱}

«کش کشو - Kes Kes» و «گمارچی -

Gomârci» در کرمان

تا چند دهه پیش در شهر کرمان قناتهای متعددی وجود داشت، مانند: قنات «طمهاس آباد»، «بهجرد»، «حسن آباد»، «سرسبیل»، «بیگلربیگی» و قنات «بیدآباد» و «ریگ آباد» که این قناتها اغلب از باغها و کوچه باغهای شهر می گذشتند، و به زمینهای کشاورزی اطراف شهر می رسیدند. هر کدام از قناتهای

کارگزاران وسازمانهای سنتی آبیاری در ایران

(قسمت اول) مرتضی فرهادی

یاد شده، دارای یک «کش کشو» و یک «گمارچی» بود. کار کش کشو این بود که هر روزه از اولین باغ و سرچشمه قنات شروع کند و تا سر کرت های کشاورزی جوی را از گل ولای بروید و بدین ترتیب هم آبرای گل آلود کرده و مهم تر این که به سرعت آن بیفزاید. البته روش کار او با آنچه پیش از این در لایروبی جویها و نهرها گفته شد، متفاوت بوده است.

کار کش کشو نسبت به لایروبی های یاد شده، بسیار سطحی بود، اما چون هر روزه انجام می گرفت، در روند کار موثر واقع می شده است.

روش کار چنین بود که کش کشو دسته ای از بوته «متک - Matk» (شیرین بیان) و یا بوته های دیگر به هم بسته که «کش - Kes» نامیده

«سرتاق» و «لاوان» در نیریز

در نیریز هر قناتی یک یا چند تن متصدی به نام «سرتاق» دارد که مأمور تقسیم آبند و هر سرتاق دو تن به نام «لاوان» زیر دست خود دارد که در تقسیم آب نظارت می کنند. تمام معاملات مربوط به تقسیم آب و خرید و فروش تمام یا بعضی از سهام آب و انتقال آنها به دیگری از طریق ارث به وسیله سرتاق در دفتری ثبت می شود که به همین منظور نزد خود نگاه می دارد. به جای مزد سالی پنج روز آب به او اختصاص می دهند و این را «خمسه» می نامند.

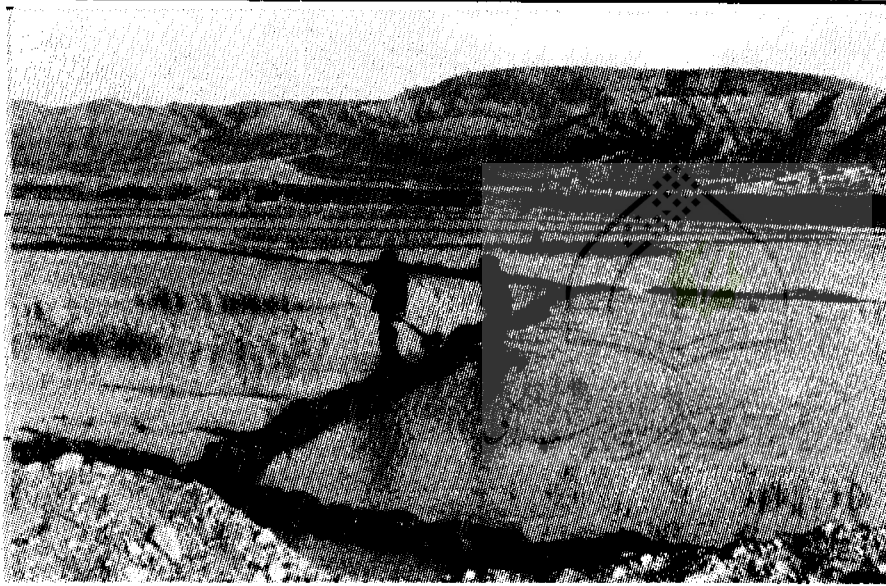
این ایام خمسه عبارتند از: ۳۱ فروردین، ۳۱ اردیبهشت، ۳۱ خرداد، ۳۱ تیر و ۳۱ مرداد. مزد لاوان را مالکان به جنس و با تعیین سهمی از

«جوب پا» (جوبی پا)، آب را از «بندی نیمور» تا «وزب - Vaz» (محل تقسیم آب) نیمه ور و «باقرآباد»، نگهداری می کند.

«سربندی» در «وانشان» گلپایگان

«وانشان» روستای زیبا و کهنی است، در ۱۲ کیلومتری جنوب گلپایگان و بین راه گلپایگان به خوانسار. وانشان دارای سه رشته قنات است، که به موازات رودخانه خوانسار (شاخه ای از رودخانه «اناربار») کشیده شده اند.

قناتهای مذکور به ترتیب اهمیت عبارتند از: «فلق»، «مرغان» و «ده» که جمعاً حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ هکتار زمین را بر مدار گردش هفت روز



● تمام معاملات مربوط به تقسیم آب و خرید و فروش تمام یا بعضی از سهام آب و انتقال آنها به دیگری از طریق ارث به وسیله سرتاق در دفتری ثبت می شود که به همین منظور نزد خود نگاه می دارد. به جای مزد سالی پنج روز آب به او اختصاص می دهند و این را «خمسه» می نامند.

محصول باغها و دشتهائی که لاوانها در آبیاری آنها نظارت می کنند، می دهند.^{۱۱}

«سوچی - Suci» در شبستر

کشزارها و باغهای «شستر» (در آذربایجان شرقی)، با تعدادی قنات و آب رودخانه کم آب «چای» مشروب می شوند.

آب رودخانه دارای نگهداری است، که «سوچی - Suci» نامیده می شود، و با توافق دارندگان حقابه از این رودخانه، به کار گمارده می گردد.

«جوب پا» در «نیمه ور» محلات

در «نیمه ور - Nimevar» ماموری به نام

می شد،^{۱۲} و سپس با یک طناب و یک چنگک که به آن مربوط می شد، «کش» را در جوی به دنبال خود می کشید، و از این باغ به باغ دیگر می رفت؛ و این کار را روزی دو بار تکرار می کرد.^{۱۳}

«گمارچی»

وظیفه گمارچی نگهداری از آب بود که جانی به هدر نرود، و یا باغات بدون حقابه از آب استفاده نکنند، و بالاخره کسی خارج از نوبت آب خود، از آن استفاده نکند.

گمارچی معمولاً روزی یک بار به باغهای مسیر آب قنات سرکشی می نمود.

یکبار مشروب می نمایند.^{۱۵}

قنات «مرغون - Morqun» (مرغان) دارای کارگزار ویژه ای است، که به آن «سربندی» گویند. کار سربندی این است که آبی را که در مسیر قنات از رودخانه به صورت چشمه خارج می شود، آنرا از آب رودخانه تفکیک کرده، و در «سربری - Sarbari» (مظهر قنات) آنرا به قنات برگرداند.

اهالی معتقدند در گذشته هرگاه این قنات خراب شده و «پشته می انداخته» است، آب آن به صورت چشمه هائی از رودخانه خارج می شده است. لذا با مالکین آب رودخانه چنین قرار نهاده اند، که آب این چشمه ها که در مسیر این قنات وجود دارد، از آن این قنات باشد.

«اومال — ômal» در «دره مرادبک» همدان دره مدبک (دره مرادبک) در ۱۲ کیلومتری جنوب همدان واقع شده، و آب کشاورزی آن از رودخانه و تعدادی چشمه و «بیلان — Bilân» (راهنگ — Rahang) ۱۶ تأمین می‌شود.

آب رودخانه دارای مامورینی به نام «اومال» می‌باشد. دره مرادبک ۷ اومال دارد که از اول تابستان که آب رودخانه کم می‌شود، تا آخر پاییز به تقسیم آب رودخانه مشغولند، و مزد خود را از مالکین به نسبت آب آنها دریافت می‌کنند.

«آب‌سوار» در «گلسفید» لنگرود

روستاهای لنگرود یک «میرآب» دارد که در منشاء آب مامور ضبط و تقسیم آب است و از

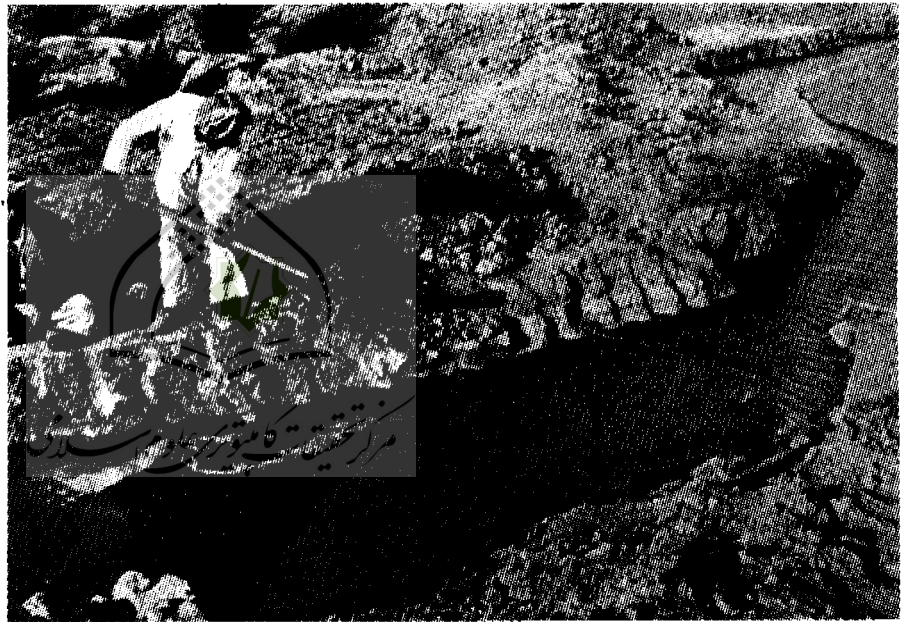
شریکند، «پیر پسند» و گالش‌خانه یک آب‌سوار و گلسفید سه آب‌سوار دارد.^{۱۷}

«آبیاری» و «سرآبیاری» در سیستان

در سیستان ماموری که متصدی آبیاری است معروف به «آبیاری» است، تا این اواخر دو نوع آبیاری وجود داشت. یکی آبیاری بود که آب را به ده می‌رساند و دیگری آبیاری که در تقسیم آب داخل ده مراقبت می‌کرد، و به هر یک از این دو ۱/۵ درصد محصول را می‌دادند.

شغل آبیاری نوع دوم اکنون منسوخ شده و وظایف او به کدخدا انتقال یافته است.

آبیاری‌هایی که باقی مانده‌اند هر یک ۳ من گندم از قرار هر «حصه» از زمینی که مسؤل



اگر این نمایندگان نتوانند در مورد تعیین میرآب اتفاق آرا حاصل کنند، هر بلوکی وقتی که نوبت آب به او رسید، نماینده‌ای جهت نظارت در طرز تقسیم آب می‌فرستد. ناظران نهرها و به اصطلاح اصفهانها «مادی‌ها» یعنی «مادی سالاران» امروز روز از طرف مردم تعیین می‌شوند و مزد آنان را — در بسیاری موارد — مالکان می‌پردازند.^{۱۸}

«پوکش — Pôkes» در «اشکذر» یزد

«اشکذر» قبلاً سه قنات به نامهای: اشکذر، «دهشخی» و «حکیم آباد» داشته است امروزه تنها قنات اشکذر کمی آب دارد و دو قنات دیگر خشک شده‌اند.

تا حدود سی سال پیش، کشاورزان اشکذر شخصی را به نام «پوکش» استخدام می‌کرده‌اند که همچون کیش کشور در کرمان، مسؤل لایروبی روزانه جویها در طول سال بود.^{۲۰} مزد پوکش را سرخرمن و براساس میزان حقایب می‌پرداختند.

پوکش برخی از قسمتهای جوی را که لازم میدید با بیل لایروبی می‌کرد و در اغلب جاها از چوبی خراطی شده با سراسنانه‌ای شکل — هم چون کلوخ کوب سکه «هَلُغو — Holoqu» نامیده می‌شد استفاده می‌کرد. پوکش «هَلغو» را همراه با جریان آب با نیروی کمی در داخل جوی می‌کشانند.

کارگزاران آب در روستاهای اردستان

شهرستان اردستان، منطقه‌ای است بین نفلنز و نائین، در استان اصفهان که در حاشیه کویر واقع شده، و لذا آب در آنجا از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است، و به همین نسبت نیز منابع آبی سنتی آن دارای کارگزاران فراوانی می‌باشد.

این کارگزاران و یا متخصصان امور آبیاری، در این ناحیه به نامهای زیر خوانده می‌شوند «سرتاق»، «سرچوغ» (سرجوی)، «بن طاق»، «طاقدار»، «بنیم طاقدار»، «آبیاری» و «سلامه».

«میرآب» و «سرتاق» در «زفرقند» اردستان

مدار گردش آب در «زفرقند» نه شبانه روز یکبار است، و هر شبانه روز را نیز دو طاق به حساب می‌آورند، بنابراین طول هر مدار گردش آب ۱۸ طاق محاسبه می‌گردد.

آبیاری آنند می‌گیرند.

در هر بلوک یک «سرآبیاری» وجود دارد که مزد او را بنگاه مستقل آبیاری می‌پردازد.^{۱۸}

«مادی سالاران» در اصفهان

«آب زاینده رود و زمینی که با آن مشروب می‌شود به سی و سه سهم قسمت می‌گردد و از طرف صاحب (صاحبان) هر سهم نماینده‌ای برای انتخاب میرآب و معرفی او به اداره کشاورزی تعیین می‌شود. اداره کشاورزی پس از حصول اطمینان به اینکه وی مورد اعتماد اکثریت است، حکم انتصاب او را صادر می‌کند. دستمزد میرآب را که مردم می‌پردازند به ماخذ روز است و مقدار آن راسی و سه نماینده مزبور تعیین می‌کنند.

سازمان آب حقوق می‌گیرد.

ده «گلسفید» سه آبیاری محلی دارد، که هر سه با هم کار می‌کنند و از طرف اهالی مزد می‌گیرند، و کارشان هدایت آب از رودخانه تا ده و نظارت بر تقسیم آب بین مزارع است.

هر سال اول فروردین کشاورزان برای انتخاب مجدد آبیاری جمع می‌شوند و سه نفر را تعیین می‌کنند و با امضای همه حاضرین به آنها حکم آبیاری می‌دهند.

به آبیاری در محل «آب‌سوار» می‌گویند. آب‌سواران حکم خود را به امضای میرآب رسانده و به لاهیجان می‌برند — که سازمان آب در آنجا شعبه دارد — و از سازمان آب حکم رسمی می‌گیرند. گلسفید و «گالش‌خانه» و «پیر پسند» در آب

در «زفرقند» هر طاق آبی مسنولی دارد، که «سرتاق» نامیده می‌شود. (در بعضی جاها «سرتاق» را «سرجوی» گویند.) سرتاق وظیفه دارد که ۷۲ سهم آب هر طاق را به بهترین شکلی بین سهامداران توزیع نماید.

هر شبانه روز آب (هرقنات) دارای دو سرتاق است. و ۱۸ سرتاق سهام طول مدار گردش آب را در هر قنات سر پرستی می‌نمایند، و چون «زفرقند» دارای چهار رشته قنات است، بنابراین ۷۲ سرتاق در «زفرقند» شبکه توزیع و تقسیم آب را در اختیار دارند، که در مجموع گروه آبیاران را تشکیل می‌دهند.^{۲۱}

سنجش زمان توسط «سرجه»^{۲۲} در اطاقی به ابعاد حدود سه در چهار به نام «سرجه پیمان» به دست سرتاق انجام می‌پذیرد، منتهی میرآب بر این تقسیم آب نیز نظارت دارد.^{۲۳}

«نیم طاقدار» آن در «کچو مثقال» اردستان «در ده کچو مثقال» که در دامنه زرین کوه بلوک سفلی اردستان واقع شده است، شبانه روز به دو طاق برابر با یکصد سرجه تقسیم می‌گردد. مدار گردش آب ۱۰ شبانه روز یکبار و کل آب قناتهای پنجگانه ده، که به صورت آب واحدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در طول مدار گردش آب ۱۰۰۰ سهم محاسبه می‌گردد.

۱۰ شبانه روز طول مدار گردش آب به ۲۰ طاق و ۴۰ نیم طاق تقسیم می‌گردد. هر نیم طاق برابر ۲۵ سهم و برابر با ۶ ساعت آب از پنج منبع آینده است، که یک «نیم طاقدار حساب و کتاب آنرا به عهده دارد. بنابراین «کچو مثقال» دارای چهل تن «نیم طاقدار» است، که هر کدام در نوبت خود موظف اند آبرا بین خرده سهم بران نیم طاق خود بر اساس مالکیت و یا سهم بری آنها تقسیم نمایند.»^{۲۴}

نیم طاقداران موظف اند به حفاظت از آب پرداخته، و آبرا در نقاط معین به سهامداران تحویل نمایند.

نیم طاقداران هر شبانه روز را به جای ۱۰۰ سرجه (سهم) آنرا به ۱۰۸ سرجه قسمت می‌نمایند یعنی مدت زمانی هر سرجه را (به جای ۱۴/۴ دقیقه)، سیزده و یک سوم دقیقه محاسبه نموده، و ۸ سهم اضافی را به عنوان مزد کار خود به حساب می‌آورند.^{۲۴}

● تا چند دهه پیش در شهر کرمان قناتهای متعددی وجود داشت که هر کدام از این قناتها دارای یک «کش کشو» و یک «گمارچی» بود. کار کش کشاورین بود که هر روزه از اولین باغ و سرچشمه قنات شروع کند و تا سر کرفتهای کشاورزی جوی را از گل و لای بروبد. وظیفه گمارچی نیز نگهداری از آب بود که جایی هدر نرود و یا باغات بدون حلقه، از آب استفاده نکنند و...

● کار سربندی این است که آبی را که در مسیر قنات از رودخانه به صورت چشمه خارج می‌شود، آن را از آب رودخانه تفکیک کرده و در سربری (مظهر قنات) به قنات برگرداند.

«طاقداران»ها و «سلامه»ها در «زواره»

آبیاران را در منطقه «زواره» «طاقدار» یا «سلامه» می‌نامند، ولی در برخی دهات همسایه به نام «آبیاری» شهرت دارند.

از مشخصات طاقداران شلوار سیاه رنگ گشادی است که با بالا کشیدن آن ساقهای برهنه پا (طاقدار) نمایان می‌گردد. اینان در تابستانها پایبرهنه، و در زمستانها اغلب چکمه لاستیکی ساق‌دار پیا دارند، معمولاً آبیاران پتویی محلی - که در محل به نام «جانماز» مشهور است و حدود هفتاد و پنج صدم در یک متر و نیم درازا و پهنا دارد، که توسط لیبافان محلی از موی بز تهیه می‌گردد - با خود همراه دارند که هم زیرانداز آنها است و هم روانداز. ساعت، چراغ و پیل ابزار دیگر طاقداران است که همیشه همراه دارند.

مدار گردش آب (در زواره) بر هشت شبانه روز برابر با ۱۶ طاق استوار است. اگر آب کم باشد در یک جوی و اگر زیاد باشد در دو جوی حرکت می‌نماید، که هر جوی را یک «لنگه» می‌نامند و اگر تمامی آب در یک جوی حرکت نماید، اصطلاحاً آنرا «گرداب» می‌نامند. اگر آب گرداب باشد طول مدار گردش آب ۱۶ طاق و اگر لنگه باشد ۳۲ طاق خواهد بود. (دو

جوی، هر جوی ۱۶ طاق).

برای نظارت بر ۳۲ طاق آب، ۳۲ تن از افراد مطمئن و باتقوا از بین زارعان انتخاب می‌شوند، تا هر کدام بر طاق آبی نظارت داشته باشند.

اینان مقداری از آب طاق را به عنوان حق سلامگی از افراد هم طاق خود گرفته، به خود اختصاص می‌دهند. نامبردگان نیز از احترام خاصی در بین افراد برخوردار بوده و به قضاوت در اختلافهای آبیاری دعوت می‌شوند.^{۲۵}

«میرآب» و «سرمیرآب» در «خسبیجان» اراک

در «خسبیجان» اراک هر ساله در موقع معینی از سال، که بیشتر در اوایل دهه اول فروردین ماه است، در یک مجمعی که حالت عمومی دارد، ضمن انتخاب تمام افرادی که باید برای کارهای عمومی انتخاب شوند، «میرآب» هم انتخاب می‌شود.^{۲۶}

دو نفر از اهالی - به سرمیرآبی و میرآبی انتخاب می‌شوند که این دو نفر موظف اند آب را از محل بند تا ده برسانند، به طوری که چیزی از آب در راه هرز نرفته و تلف نشود. در قبال انجام این وظیفه در هر سال مقدار معینی گندم از هر جفت زراعی می‌گیرد.^{۲۷} و ^{۲۸}

«میرآب» در «شهمیرزاد» (شامرز) - (Samerzā)

«شهمیرزاد» شهرکی است در ۲۴ کیلومتری شمال سمنان و جزو بخش «سنگسر» آن. آب زراعتی شهمیرزاد از چند چشمه که در یکی از دره‌های بالای آن قرار دارد، و هم چنین از آب هشت قنات تامین می‌گردد.

آبیاری باغستانها و کشتزارهای دوروبر شهمیرزاد به علت اینکه اغلب در زمینهای شیب دار و شنی قرار دارند، هم دشوار است و هم مهارت لازم دارد. به این ملاحظات و نیز به خاطر خرده مالکی بودن، با وجود فراوانی آب، شیوه تقسیم آب اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده، و سبب ایجاد شغل میرآبی شده است.

آب شهمیرزاد در محل تقسیم آب توسط آب پخش کن‌های چوبی که «برجم» Barjam نام دارد. به نهرهای مختلف تقسیم می‌شود، که هر کدام قسمتی از باغها و کشتزارها را مشروب می‌کند.

کارگزاران و سازمانهای آبیاری سنتی

از آب بعضی نهرها، رشته های کوچکتری جدا می شود و هر رشته از سنگی که سوراخی به نام «جازن» دارد عبور می کند. اندازه «برجم» ها و جازن ها و نیز محل قرار گرفتن آنها، بر حسب قراردادهای سنتی ثابت و غیر قابل تغییر است.

هر کدام از نهرها به نسبت آب و وسعت باغها و زمینهای زیرکشت آن، یک یا چند میرآب دارد. میرآب هر نهر مطابق قراردادی که با مالکان حوزه همان نهر می بندد، برای مدت شش تا هفت ماه از اول بهار تا اوایل پائیز به کار می پردازد.

میرآب را معمولاً در یکی از روزهای سیزدهم یا چهاردهم فروردین ماه و یا در پائیز انتخاب می کنند، و با او قرارداد می بندند.

قرارداد میرابی معمولاً کتبی است و با توافق همه مالکان که در مسجد یا محل دیگری جمع می شوند، نوشته می شود.

مزد میرابی برای باغستانها پول نقد و برای دشت ها گندم است... امروزه (۱۳۵۶) این مزد در حدود ده تومان پول نقد یا پنج من گندم در هر جریب می باشد...^{۲۹}

یک نمونه قرارداد میرآبی که مربوط به یکی از نهرها و مربوط به سال ۱۳۱۸ خورشیدی است، در زیر می آید.

«به تاریخ ۱۳۱۸/۷/۱۸ واضح بوده باشد، اینجانبان سیف الله تابش و علی بابا روانی اجیر شدیم از پانزدهم فروردین ماه ۱۳۱۹ تا الی آخر مهر ۱۳۱۹ به چند ماده ذیل:

۱- زمین آبخور نهر قلعه را از سرچشمه شروع کرده تا به انتها به ردیف ملک مالکین مشروب نمایند.

۲- اجرت مشروب نمودن باغ جریب چهار ریال و دهشاهی و گندمی دو من و نیم و دریافت اجرت هم سه قسط.

۳- هرگاه کسی در دادن اجرت میرآبی مسامحه نماید. میرآب حق دارد به چند نفر اطلاع داده از عایدات همان ملک دریافت نماید.^{۳۰}»

۴- اگر آب کم باشد، میراب باید شب و روز مشغول آبیاری باشد و اگر زیاد باشد مانند سابق.

۵- هرگاه آب کم باشد و ایشان شب و روز در آبیاری تغافل نمایند، حق میرآبی ندارند.

۶- «کسی که سبزیکاری ندارند که دو نوبه

• در خسیبجان اراک در موقع معینی از سال (اوایل فروردین) در یک مجمعی که حالت عمومی دارد، ضمن انتخاب تمام افرادی که باید برای کارهای عمومی انتخاب شوند، «میراب» هم انتخاب می شود. دو نفر از اهالی به سرمیرابی و میرآبی انتخاب می شوند که این دو نفر موظف اند آب را از محل بند تا ده برسانند، بطوریکه چیزی از آب در راه هزرتفته و تلف نشود.

• در سیستان دو نوع آبیاری وجود داشت: یکی آبیاری بود که آب را به ده می رساند و دیگری آبیاری که در تقسیم آب داخل ده مراقبت می کرد، و به هریک از این دو ۱/۵ درصد محصول را می دادند.

آب بدهند، مگر به نوبه.

۷- بندی که میراب بسته، کسی بی اجازه میراب یاز نماید، میراب حق دارد که به مالکین اطلاع دهد. «موتور علوم روستایی»

۸- مالکین به آذاره مربوطه شکایت کرده، مجازات قانونی بشود.

۹- هرگاه مالکین معلوم نمایند که میرآب جانی را دو مرتبه آب داده و یا آب را هدر داده، میرآب باید از عهده خسارت برآید.

۱۰- هرگاه کسانی برای پاک کردن نهر حاضر نشوند باید جریب ۳۵ دینار به میرآب بدهد، تا عمله گرفته پاک نماید.

۱۱- هرگاه سیلاب بیاید یا اتفاقی بشود باید بروند نهر را پاک کنند.

۱۲- چنانچه اگر بعد از دروی گندم آب کافی داشته باشند حق دارند شب و رو بیده بکارند والا حق ندارند.

۱۳- هرگاه میرابها خسارتی به مالکین وارد نمایند، پس از تحقیقات باید از عهده خسارت برآیند. این چند کلمه محض قرارداد نامچه قلمی گردید.

از طرف اخوان هوشمند، از طرف صفرعلی

درخشانی، از طرف محمدتقی ایمانی، نوشته (متن) ورقه صحیح است، محمدعلی خاکسار ۱۴۰، صحیح است، فرج الله محصومی، صحیح است، حسن آقا وداعی... زیرنویس:

(۱) - درباره انواع «بیاریگری» و انواع آن همچون «همیاری» و «خودیاری» و «دگریاری» و «تعاونی سنتی» و معنای اصطلاحی آنها آنطور که مورد نظر نگارنده است نک به:

مرتضی فرهادی (گونه شناسی «بیاریگریها» و «تعاونی های سنتی» در ایران)، کیهان فرهنگی، سال دوم شماره ۱۰، و مفصل تر و دقیق تر از آن در:

مرتضی فرهادی، زمینه ها و شیوه های «بیاریگری» در جوامع شهری روستائی تهران، ۱۳۶۵ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

(۲) فرهنگ یاری در «آبیاری»، ماهنامه جهاد، ش ۹۸، ص ۴۱ و ۴۲، از همین نویسنده

(۳) و (۴) همان منبع ص ۴۲ و ۴۳.

(۵) همان منبع ص ۴۰.

(۶) خودیاریها و تعاونی های سنتی در زمینه آب و آبیاری در ایران، ماهنامه زیتون، شماره ۳۷، ص ۵۸ و ۶۳ و شماره ۴۴ ص ۴۰ و ۴۱ و ۵۹ و

«جوی روبی و بیل گردانی در نیمروز محلات»، نامه فرهنگ ایران، دفتر اول ۱۳۶۵، بنیاد نیشابور

(۷) «خودیاریها و...» (قسمت سوم)، ماهنامه زیتون شماره ۴۵ ص ۴۱ و ۴۲.

(۸) «فرهنگ یاری در آبیاری»، ماهنامه جهاد، شماره ۹۷، ص ۱۱ و ۱۲.

(۹) سازمان آبیاری قنات «بلده» باغستان فردوس، در صفحات آینده.

درباره «آبیاری کوزه ای نک به»:

۵ - پرهام جواهری. آبیاری کوزه ای. تهران، ۱۳۵۵. موسسه خاکشناسی. ۵۰ پرویز مهدی زاده و دیگران.

تحقیق در صرفه جویی در مصرف آب... تهران، ۱۳۵۶، موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع. ۵۰۰ نصرالله پورافکاری. «شیوه های سنتی تقسیم آب در ایران». هنر

و مسردم. ش ۱۹۳. ص ۴۸ - ۴۹. ۵۰۰ جواد صفی نژاد. مبانای جغرافیای انسانی. تهران ۱۳۶۲.

دانشگاه تهران. ص ۱۶۷.

(۱۱) نک به پاورقی صفحه ۱۴ همین نوشته.

(۱۲) «کش - Kes» آتی که از شاخه برگ و ساز و به هم پیچند و با طنابی ببندند و طناب را به شانه اندازند و در امتداد جویها کشند تا پاک شوند و آب به سرعت خود بیفزاید.

منوچهر ستوده، فرهنگ کرمانی، تهران، ۱۳۳۵، انتشارات فرهنگ ایران زمین. ص ۱۳۳

«کش کشته - Keskesu» در قناتها به کار می رود. اسبابی است که از پالان خرد درست می کنند و داخل آنرا پر از گاه کرده می بندند و دو نفر آنرا به دوش می کشند و به

جنگ روانی استکبار علیه انقلاب اسلامی

تکنیک‌های عملیات روانی

بطور کلی می‌توان چهار تکنیک برای عملیات روانی بشرح زیر در نظر گرفت. ارتباط جمعی، شایعه، ارتباط مستقیم شخص به شخص و اقدامات سمبلیک که در توضیحاتی پیرامون هریک از موارد فوق در زیر ارائه می‌شود.

۱- ارتباط جمعی:

ارتباط جمعی در حقیقت عنصر اصلی ارائه تبلیغات (در مفهوم عام) است و آن عبارت است از هر گونه خبر، عقیده، شعار، نظر و... عملی که جهت تأثیر در عقاید، احساسات هر گروه بخصوصی (مخاطب) منتشر و بکار رود. بطوریکه منظور آن مستقیم یا غیرمستقیم بنفع مبلغ باشد، مثلاً زمانی که گفته می‌شود: «جوانان، به جبهه‌ها بشتابید» منظور بطور مستقیم به مخاطب عنوان شده است و زمانی که همین منظور با یادآوری خون شهیدان، درنده خوبی دشمن متجاوز و اشاره به نیاز جبهه‌ها عنوان گردد؛ هدف بطور غیرمستقیم عنوان شده است. مفهوم فنی ارتباط با مردم، رسانه‌های جمعی و عمومی است (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، فیلم، تئاتر، مجلات و غیره)، این تکنیک، عمدتاً در رابطه با مبحث عملیات روانی مطرح است.

۲- شایعه:

شایعه عبارت است از ادعای مشخص، جهت برانگیختن باور مخاطب که دهان به دهان (و با تماس افراد) انتقال می‌یابد و فاقد پشتوانه‌ای مطمئن برای ارائه است. از نکات بارز شایعه محدود بودن مخاطب است. (برخلاف تکنیک ارتباط جمعی) و منبع آن یا اصلاً وجود ندارد (شایعه‌ای که خودبخود از خبری سرچشمه می‌گیرد) و یا منبع پنهان و یا تغییر یافته است.

اصولاً شایعات بر اساس سه رشته احساسات منشأ می‌گیرند:

۱- ترس

۲- امید

۳- تنفر

گاهی شایعه بواسطه وجود احساس ترس از وقوع بعض وقایع انتقال می‌یابد مثلاً شایعه بمباران شیمیایی شهرها، توسط رژیم صدام در زمان جنگ شهرها، زمانی بخاطر تمایل به اعتقاد و باور آن

وسيله فشاری که می‌آوردند، ته قنات را لارویی می‌کنند و این وسیله‌ای است برای باز کردن چشمه‌های آب قنات (ناصر دادمان، دستور زبان و نظور و فرهنگ لهجه اصفهان، اصفهان، ۱۳۵۵. انتشارات مشعل، ص ۱۲۰).

ونک به: پاورقی صفحه ۶ همین نوشته.

(۱۳) در کرمان وقتی کسی با رفت و آمدهای مکرر و بی‌موقع خود مزاحم دیگران می‌گردد می‌گویند: «فلانی مثل کش کشوی بداع آباد می‌ماند.»

(۱۴) لبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۴۰۳.

(۱۵) مرزقی زهدی، دست نوشته به نقل از:

جواد صفی نژاد، نظامهای آبیاری سنتی در ایران، ص ۱۷۴.

(۱۶) چشمه مصنوعی، نوعی زهکش، در روستاهای توسرکان «زق بُو» گویند، ونک به «قنات تمام آفتابی» و «گمانه‌ای در چگونگی آفرینش کاریز در ایران»، ماهنامه آبریان، ش ۵، از همین نویسنده.

(۱۷) طاهره ادیب صابری، پژوهش در شیوه‌های مشارکتی ده گلسفید، ص ۳۹.

(۱۸) ا. ک. س، لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، ص ۴۰۴.

(۱۹) لمبتون. همان منبع. ص ۴۰۱

(۲۰) لایروبی روزانه به شیوه «کش کشو» در مناطق دیگری از ایران نیز رایج است. به این کار در روستاهای پیرامون «رادکان» مشهد «بشته کشی» و در روستاهای فراهان اراک مانند «مصلح آباد» لاشه کشی گویند. چیزی که هست چه در روستاهای رادکان و چه در فراهان اینکار توسط خود کشاورزانی که نوبت آب آنها فرا رسیده است انجام می‌گردد.

(۲۱) نصرالله سعیدی زرفرندی، نظامهای آبیاری سنتی در منطقه اردستان، پایان نامه لیسانس، تهران، ۱۳۵۸، دانشکده علوم اجتماعی، به نقل از:

جواد صفی نژاد، نظامهای آبیاری سنتی در ایران، ص ۸۰ و ۸۱.

(۲۲) نوعی ساعت آبی.

(۲۳) جواد صفی نژاد، منبع پیشین، ص ۸۲.

(۲۴) غلامرضا جمشیدی، دست‌نویسهایی درباره «کچومتقال»، ۱۳۵۸ به نقل از:

جواد صفی نژاد، همان منبع، ص ۸۴.

(۲۵) جواد صفی نژاد، همان منبع، ص ۸۴.

(۲۶) مهدی میرحسینی زواره‌ای، مسائل کشاورزی و آبیاری منطقه زواره. پایان نامه لیسانس، تهران، ۱۳۵۸، دانشکده علوم اجتماعی، به نقل از:

جواد صفی نژاد، همان منبع، ص ۸۸ و ۸۹.

(۲۷) و (۲۸) محمدرضا صادقی، مونوگرافی ده خسیجان، پایان نامه لیسانس دانشکده علوم اجتماعی، ص ۲۴ و ۳۷.

(۲۹) محمد میرشکرانی، «سیمای اجتماعی - اقتصادی شهسبزراد»، مسائل کشاورزی ایران، ش ۲، زمستان ۱۳۵۹، ص ۱۴۸ و ۱۶۰ تا ۱۶۲.

(۳۰) محمد میرشکرانی، همان منبع، ص ۱۶۳.

شایعه انتشار پیدا می‌کند؛ مانند شایعه ایرانی بودن موشک‌هایی که بغداد را می‌لرزاند. در شرایطی هم بر اساس تنفر و در جهت ازدیاد تنفر شیوع پیدا می‌کند. مانند شایعاتی که در رابطه با چریک‌های فلسطینی که یک زمانی بعد از هر عمل تروریستی و هواپیمارانی در سطح جهانی پخش می‌شد. از دیگر خصوصیات شایعه تغییر یافتن آن حین انتقال است و غالباً به حد انحراف آمیز می‌رسد.

۳- ارتباط مستقیم شخص به شخص:

عبارت است از تماس مستقیم و حضوری که سعی در تغییر افکار و عقاید مخاطب دارد. این تکنیک به تبلیغات شفاهی نیز معروف است. ارتباط مستقیم شخص به شخص تکنیک بسیار مؤثری در عملیات روانی است و به همین دلیل محتاج افرادی زبده، زیرک و آگاه است.

۴- اقدامات سمبلیک:

عبارت است از ارتباط گیری با افراد جهت تأثیر در عقاید و احساسات از طریق علائم نشانه‌ها و حرکات، این سمبل‌ها شامل: بعضی الفاظ، صداها، نشانه‌ها (نظامی - تبلیغی، مدال‌ها) عمارات (بنای یادبود، مقبره سرباز گمنام)، شلیک ۲۱ گلوله توپ، حرکات بخصوص دست و چشم، علامتهای سمبلیک، رقص‌های سنتی، لباس‌ها (یونیفورم، لباس محلی) طرح روی سکه، تمبر، پوستر، پرچم و غیره است.

در هر فرهنگ مذهب، ملت، قوم، قبیله و... یکسری از این سمبل‌ها موجود است که بسادگی تحریک کننده افراد آن گروه است و تأثیر روی احساسات آنها دارد، مثلاً صلیب، سمبل مسیحیان، گاو مقدس، سمبل هندوان، لوتوس، سمبل بوداییان و هلال، سمبل بسیاری از مسلمانان است.

از ویژگیهای اقدامات سمبلیک سادگی اقدام است و حتی بر معنا و مفهوم خاص دلالت می‌کند مثلاً: علامت **V** که توسط متفقین در جنگ جهانی دوم بکار گرفته شد به مفهوم پیروزی بود و علامت **۱۶۱** نازیها، بمعنای قدرت رایش بوده است.

زیرنویس

۱- در ادبیات سیاسی، تبلیغات به دو مفهوم بکار رفته است؛ یکی مفهوم عام تبلیغات که مترادف عملیات روانی است و دیگری مفهوم خاص تبلیغات که در چهارچوب تعریف فوق لحاظ گشته است